

عید فطر؛ ماه پیروزی بر طاغوت نفس

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

عید فطر؛ یعنی بازگشت به فطرت و سرشت بازگشت از این نظر که آیا رابطه ما با فطرت پاک انسانی به طور صحیح برقرار است یا نه؟ آیا آن اعماق روح و فطرت پاکی که خداوند به ما داده و بر اثر حجاب‌های جهل، انحراف و گناه، زنگار بر رویش نشسته، در کلاس ماه رمضان زنگارها زدوده شده‌اند یا نه؟

که اگر چنین است باید ابتدای نجات و آغاز پیروزی بر طاغوت نفس را در نماز عید فطر اعلام بدارند و جشن بگیرند. به عنوان این که : آن چه را در ماه رمضان آموخته‌اند و در راه خودسازی و بهسازی به کار برده‌اند ابراز بدارند، با کلمات و حرکات، بلکه در قلب و درون، با تمام وجود و احساس، و با شعار آمیخته با شعور و فریاد برون و درون که :

«الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر ولله الحمد والحمد لله علی ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا؛ خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد.

آری چنین است، معبودی جز خدای یکتا و بی‌همتا نیست، و خدا بزرگتر از آن است که وصف شود، حمد و سپاس اختصاص به ذات پاک خدا دارد به خاطر آن که ما را در راستای پاکسازی و بهسازی هدایت کرده، و شکر او را که جمعیت ما و امت ما را برترین جمعیت و امت قرار داده است.

رمضان پایان می‌پذیرد و به انتهای خود می‌رسد، مسلمانان در مکتب رمضان، در پرتو آیات قرآن و نیایش‌ها و تقویت صبر و اراده، پس از فراگیری به خودسازی پرداخته‌اند؛ اینک جشن می‌گیرند که در جهاد اکبر، با گام‌های استوار عبور کرده‌اند و به مقصود رسیده‌اند.

فلسفه اعیاد اسلامی

چهار عید در اسلام به طور رسمی وجود دارد که عبارت‌اند از : «عید قربان، عید غدیر، عید جمعه و عید فطر». عید قربان جشن ایثار و فداکاری است، و مسلمان در این رابطه به خویشتن باز میگردد که آیا به باطن و ماهیت چنین عیدی رسیده است یا نه. آن گونه که ابراهیم خلیل (ع) قهرمان توحید رسید، و حسین بن علی علیهما السلام آن را در کربلا تکمیل کرد. عید غدیر جشن ولایت و امامت است و انسان مسلمان با ژرف‌اندیشی به خویشتن می‌نگرد که آیا انتخاب او در مسئله بسیار مهم رهبری، صحیح بوده است یا نه؟ که درینش اسلام ناب، مسئله بسیار عمیقی است، و از ارکان زیربنایی نظام اسلام است، که اگر او نباشد هیچ یک از مفاهیم اسلام، ارزش و اصالت خود را نمیتوانند نشان دهند. عید جمعه بازگشت به خویشتن است که نقش اساسی در پیشبرد اهداف، و وصول به مقصود دارد، و به راستی که برقراری اتحاد و یک رنگی و همدلی مسلمانان، وسیع ترین و ژرف ترین برکات را برای آنها به ارمغان خواهد آورد.

ولی آیا میدانید که اگر عید فطرت و خودسازی نباشد، عیدهای دیگر تکمیل نخواهد شد. اگر چنین عیدی در زندگی انسان تحقق یابد همه روز، روز عید است؛ چنان که امیر مومنان علی (ع) فرمود : «انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه، وکل یوم لا یعصى الله فیه فهو عید» (1) امروز تنها عید کسانی است که روزه آنها در پیشگاه خدا پذیرفته شود، و عبادت‌های شبانه آنها مورد پذیرش خداوند شده باشد، و هر روزی که گناه نکنی روز عید تو است.» حضرت علی (ع) این سخن را از سرچشمه وحی گرفته بود، چرا که وقتی خطبه رسول خدا (ص) را در مسجد پیرامون فضایل ماه رمضان شنید، از آن حضرت پرسید : «بهترین کار در ماه رمضان چیست؟» پیامبر (ص) پاسخ داد : «الورع عن محارم الله عزوجل» (2) ورع و پرهیزکاری از آن چه خداوند حرام نموده است میباشد؛ یعنی همان خودسازی و بازگشت به فطرت پاک توحیدی.»

مسئله عید و فطرت در قرآن

در قرآن مجید کلمه عید يك بار آمده، که در رابطه با حضرت عیسی علیه السلام و شاگردان مخصوص اوست، شاگردان برای تکمیل ایمان خود گفتند : «آیا پروردگار تو میتواند غذایی از آسمان (مأثده) برای ما بفرستد؟» حضرت از این تقاضا که بوی شك و تردید میداد، نگران شد و به آنها فرمود :

«از خدا بترسید اگر ایمان دارید.» ولی به زودی دریافت که مقصود آنها مشاهده معجزه بزرگ از عیسی است، تا در پرتو دیدار آن، قلبشان پاک و سرشار از یقین گردد، از این رو به خدا عرض کرد :

«اللهم ربنا انزل علينا مأثده من السماء تكون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و آیه منك؛ خداوندا مأثدهای از آسمان بر ما بفرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از تو.» (3)

از آن جا که روز نزول مأثده روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است، حضرت مسیح (ع) آن را «عید» نامیده است، نتیجه این که در قرآن کلمه «عید» به عنوان تکمیل مطرح شده است.

عید فطر وقتی برای ما عید واقعی است که در مسیر خودسازی، پیروز شده باشیم، و تحول عمیقی در ما پدیدار شده باشد.

قرآن با صراحت، خداشناسی و دین را مسئله‌ای فطری می‌شمرد. از جمله در آیه 30 روم می‌خوانیم :
«فَاقْمْ وِجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ؛ ای پیامبر! روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست.» این آیه بیان کننده آن است که دین اسلام بر اساس فطرت و سرشت انسان می‌باشد و دستورهای آن هماهنگ با درون ذات وجود انسان است و اگر فطرت از دستبرد جهل، خرافات، تبلیغات غلط و تربیت‌های ناسالم، محفوظ باشد، همان را می‌خواهد که آیین ناب اسلام آن را می‌خواهد و خداوند آئینش را بر اساس نیازهای فطری بشر تدوین نموده است و اگر انسان دارای فطرت نخستین، به دور از حجاب‌ها و زنگارها باشد، بدون هیچ‌گونه تردید، راه توحید و دستورهای صحیح الهی را می‌پسندد و برمیگزیند.

انواع فطرت

فطرت بر دو گونه است : فطرت عقل و فطرت دل.

فطرت عقل یعنی استدلال روشن عقلی، که انسان بعد از رسیدن به کمال عقل با مشاهده نظام جهان و دقت در اسرار هستی، به این حقیقت منتقل می‌شود که محال است این نظام معلول مبدئی فاقد عقل و شعور باشد و این «عقل فطری» بدون نیاز به معلم به مقصود می‌رسد، ولی فطرت مفهوم دیگری نیز دارد که از آن تعبیر به «فطرت دل» می‌شود، که تفسیر فطری بودن دین با این تعبیر، صحیح‌تر و مناسب‌تر به نظر می‌رسد و منظور از آن این است که انسان وقتی به اعماق جان‌ش مینگرد، نور حق را می‌بیند و ندایی را با گوش دل می‌شنود، ندایی که او را به سوی مبدا علم و قدرت بینظیر هستی دعوت می‌کند، که گاهی از آن تعبیر به «درك وجدانی» می‌شود، مانند آن که وقتی انسان يك گل زیبا را می‌بیند، بدون استدلال به زیبایی آن پی می‌برد و از آن لذت می‌برد.
«عید فطر» به معنای بازگشت به فطرت است، یعنی مساله خودسازی در ماه رمضان، انسان را به مقامی می‌رساند که پرده‌های جهل، هواپرستی و هرگونه موانع ضد فطرت، از سر راه فطرت برداشته می‌شود و انسان مسلمان در این هنگام به فطرت ناب خود که از درون ذات وجودش می‌جوشد باز می‌گردد، همان فطرتی که آئینه صاف خدایا و حق نماست؛ همان پیامبر باطن که اگر از اسارت زنجیرهای جهل و هواپرستی آزاد گردد، راهنمای کامل و دقیق انسان به سوی کمالات است.

هرگاه انسان در پرتو برکات ماه رمضان به این درجه رسید، به حقیقت مفهوم عید فطر رسیده است و آغاز ماه رمضان در واقع برای او عید است.

شواهد متعددی وجود دارد که نشان دهنده فطری بودن ایمان به حق است؛ مانند واقعیت‌های تاریخی که نشان می‌دهد در میان هر ملتی در هر دوره‌ای اعتقاد به خداشناسی و مذهب وجود داشته است، چنان‌که شواهد باستان‌شناسی و آثار به جا مانده از دوره‌های قبل از تاریخ بیان کننده این واقعیت است.
مطالعات روانی و اکتشافات روان‌کاوی در ابعاد روح انسان نیز شاهد دیگری بر فطری بودن اعتقادات دینی است،

روانشناسان چهار تمایل عالی و اصیل را به عنوان ابعاد چهارگانه روح معرفی میکنند که عبارتند از حس دانایی، حس زیبایی، حس نیکی، و حس مذهبی. که این خود نیز دریچه دیگری بر فطری بودن دین است. (4)

پی نوشت ها :

- 1- سید رضی، نهج البلاغه، حکمت. 428
- 2- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج 1، ص. 295
- 3- مائده / آیه. 114
- 4- برای اطلاع بیشتر به کتاب «حس مذهبی یا بعد چهارم روح انسانی» ترجمه مهندس بیانی رجوع نمایید.